

Foundations and Factors for Realizing Social Change In the statement of the second step of the revolution

Received: 2019-11-08

Accepted: 2019-12-16

Shamsollah Mariji*

The purpose of the present study is to explain the foundations and factors of the realization of social change in the Second Step Statement of the Revolution. The method of this research is qualitative content analysis and in this regard, the necessity and the foundations of the social changes in the statement (including justice and fight against corruption, spirituality and ethics, independence and freedom) and the factors in the statement change (including human resources, science and Research examines the use of natural resources and the economics of resistance). Research findings show that the leader of the revolution believes that the revolution should not be considered passive in all respects and concerned about change; principles such as justice, spirituality and independence can prevent passivity and self-loathing while accepting change. Another point was the fundamental difference between the revolutionary leader's view of the field of change and that of some social thinkers in the field; the genuine principles of justice, spirituality, ethics, and national independence as the basis of the changes in the Second Step Statement of the Revolution, while these have been taken into consideration. Many sociologists in the field of change have little or no support for change. The leader of the revolution has highlighted the role of the youth in



Vol 22, No. 87, Autumn 2019

* Associate Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (mariji@bou.ac.ir).

the realization of the second step of the revolution.

Keywords: Imam Khamenei, Second Step Statement, Social Change, Islamic Revolution, Resistance Economics, Human Resources, Social Justice.



Abstracts

مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی

در بیانیه گام دوم انقلاب*

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۸/۹/۲۵

شمس‌الله مریجی**

هدف پژوهش حاضر تبیین مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است. روش این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است و در این راستا، ضرورت و مبانی تغییرات اجتماعی لحاظ‌شده در بیانیه (شامل عدالت و مبارزه با فساد، معنویت و اخلاق، استقلال و آزادی) و عوامل تحقق تغییر در بیانیه (شامل نیروی انسانی، علم و پژوهش، بهره‌مندی از منابع طبیعی و اقتصاد مقاومتی) را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند رهبر انقلاب معتقد است نباید انقلاب را در همه‌ی جهات غیرمنفعل دانست و از تغییر در آن نگران بود؛ اصولی چون عدالت، معنویت و استقلال می‌تواند در عین پذیرش تغییرات، از انفعال و خودباختگی جلوگیری کند. نکته‌ی دیگر، تفاوت بنیادی دیدگاه رهبر انقلاب درباره‌ی حوزه تغییرات در مقایسه با برخی از اندیشمندان اجتماعی این حوزه بود؛ اصول عدالت، معنویت، اخلاق و استقلال به‌عنوان مبانی تغییرات در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مورد توجه واقع شده‌اند، درحالی‌که این موارد در اندیشه‌ی بسیاری از جامعه‌شناسان حوزه تغییرات جایگاه چندانی ندارد، یا به‌صورت کم‌رنگ از کنار آن می‌گذرند. رهبر انقلاب نقش جوانان را در تحقق گام دوم انقلاب برجسته دانسته است.

* این مقاله مربوط است به همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» که در دفتر تبلیغات اسلامی در بهمن ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد.

** دانشیار، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (mariji@bou.ac.ir).



کلیدواژه‌ها: آیت الله خامنه‌ای، بیانیه‌ی گام دوم، تغییرات اجتماعی، اقتصاد مقاومتی، نیروی انسانی، عدالت اجتماعی.

بیان مساله

"تغییر" در لغت به معنای دگرگون کردن، چیزی را به شکل و حالت دیگر درآوردن و از حالی به حالی برگردانیدن است؛ اما در اصطلاح جامعه‌شناختی تعاریف گوناگونی برایش آمده است. گی روشه (۱۳۶۷) می‌نویسد: تغییر عبارت است از دگرگونی قابل رویت در طول زمان، به صورتی که موقتی و کم‌دوام نباشد، روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثرگذار باشد و تاریخ آن را دگرگون نماید (ص. ۳۰).

تغییر اجتماعی، دربرگیرنده‌ی هرگونه تغییر در ساختار، نهاد یا سازمان اجتماعی است؛ از این‌رو شیوه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی جهان امروزی با شیوه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی گذشته‌ی نه‌چندان دور بشر، تفاوت اساسی یافته‌اند. جامعه‌ی بشری در نیم قرن اخیر شاهد نوعی چرخش سریع و تند از انواع تغییرات در نظام و ساختارهای اجتماعی بوده است. تغییر اجتماعی، خصیصه‌ی همه‌ی جوامع است، اما منشا اصلی این تغییر عبارت بوده است از: محیط طبیعی، تغییرات جمعیتی، فکر جدید، تکنولوژی، حکومت، رقابت، جنگ، برنامه‌ریزی، جنبش اجتماعی و... برخی از جوامع، بسیار سریع‌تر از جوامع دیگر تغییر می‌کنند. آهنگ تغییر، یکی از الگوهای اجتماعی موجود و بخش جدایی‌ناپذیر جامعه است. ممکن است رویدادها یا اعمال فردی، آهنگ تغییر را برای مدتی، کوتاه کنند یا به آن شتاب بخشند، اما در درازمدت این میزان، پیش‌بینی‌پذیر است. تغییر از نظر اندیشمندان اجتماعی یک امر اجتناب‌ناپذیر است؛ تنها موارد مذکور نیستند که مورد توجه محققان اجتماعی قرار گرفته‌اند، چون مباحثی مثل مبانی و اصول و عوامل مؤثر در پدیداری تغییرات نیز از نظر آنان دارای اهمیت زیادی است. شاید فلاسفه‌ی اجتماعی بیش از دیگران مشتاق بحث و گفت‌وگو در زمینه‌ی مبانی، اصول، تحقق و پذیرش تغییر در میان آدمیان هستند؛ چراکه مهم‌ترین عامل در میان عوامل اجتناب‌ناپذیری تغییر، کنجکاوی و تنوع‌طلبی انسان‌هاست. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، چنان‌چه بعد از این خواهیم دید، اصل تغییر را امری مسلم در نظر گرفته است. از آنجایی که این بیانیه توسط رهبری حکیم نگاشته شده است، نگارنده را بر آن داشت تا مبانی و عوامل مورد نظر این حکیم را در این مقاله جست‌وجو کنیم.



۲. اجتناب‌ناپذیری تغییرات اجتماعی

در حوزه‌ی تغییرات اجتماعی، پژوهش‌گران اجتماعی بیش از هرچیز در پی پاسخ به سؤالاتی نظیر: موضوع، عوامل، شرایط، زمینه‌ها و قلمروی تغییر هستند؛ چون اصل تغییر را - به دلایلی - اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و بر این باورند که در ذات و سرشت انسان، جامعه و فرهنگ، عواملی وجود دارد که تغییر را امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ به عنوان نمونه، به نظر آن‌ها مسائلی نظیر موارد ذیل می‌توانند در اجتناب‌ناپذیری تغییر دخیل باشند:

۱,۱. جمعیت

از جمله‌ی عوامل مهمی که موجب تغییر در اجتماع انسانی می‌شود، جمعیت است. این عامل در سه بُعد: اندازه، ترکیب و توزیع می‌تواند تغییرات اجتناب‌ناپذیری را در پی داشته باشد. دورکیم، در نظریات خود درباره‌ی مباحث اجتماعی بیش از دیگران به عامل "جمعیت" پرداخته است. وی معتقد است جمعیت از حیث تراکم مادی و افزایش عددی، به دنبال خود، تراکم معنوی و رفتاری را در پی خواهد داشت. پیامد این تراکم، "رقابت" است؛ زیرا با توجه به محدودیت‌های موجود در عرصه‌ی اجتماعی، افراد برای رسیدن به خواسته‌ی خود باید در فضای رقابت قرار بگیرند. برای این که رقابت ضابطه‌مند شود، کسانی باید در آن شرکت داشته باشند که از تخصص لازم برخوردارند. پس از پایان فرایند رقابت، نوبت به "تقسیم کار" می‌رسد. اشخاص بر اساس تخصص، پیکره‌ی اجتماع را شکل می‌دهند و به این ترتیب جامعه از حالت مکانیکی به وضعیت ارگانیکی می‌رسد. بدیهی است هر یک از مراحل یادشده، تغییرات اجتماعی ویژه و اجتناب‌ناپذیری را به همراه خود خواهد داشت (دورکیم، ۱۳۶۹، ص. ۲۷۵).

۱,۲. ستیز یا تضاد

از آن جایی که قدرت، ثروت و مقام از جمله‌ی امور مطلوب نزد اعضای هر جامعه‌ای است و این امور نیز با توجه به ماهیت‌شان در جوامع انسانی کمیاب هستند، دست‌یابی به آن برای افراد، گروه‌ها و اقشار، "تضاد و رقابت" را به همراه خواهد داشت؛ چون منافع افراد با منابع کمیاب سازگاری ندارد.

۱,۳. جبر اقتصادی (تعین اقتصادی)

با توجه به اسناد و شواهد موجود، وضعیت اقتصادی جوامع در نوسان است و کم‌تر زمانی را می‌توان دید که دارای ثبات باشد. با توجه به نبود ثبات در وضعیت عرضه و تقاضا در جوامع، افراد جامعه ناچارند خود را با این قانون جبری اقتصاد تطبیق دهند؛ این تطبیق





به همراه خود تغییراتی را پدید خواهد آورد.

۱,۴. نوآوری

از دیگر عوامل اجتناب‌ناپذیری تغییر، نوآوری است که ممکن است در قالب اختراعات و اکتشافات در جوامع بشری تحقق یابد. آن روزی که بشر، ماشین چاپ و ماشین بخار و امثال آن را اختراع کرد، تغییرات شگرفی را در حوزه‌ی خود ایجاد نمود. امروزه با تکنولوژی مدرن، کم‌تر حوزه‌ای از زندگی اجتماعی را می‌توان سراغ داشت که از تیغ برنده‌ی آن در سلامت مانده باشد؛ حال این تغییرات آیا به سود بشر بوده است یا به زیان او، خود سخن دیگری است که در جای دیگر بررسی شده است (مریجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۷).

۱,۵. اشکال جدید ساختار اجتماعی

بشر با کامیابی از تعالیم آسمانی و توجه به تجربیات خود، برای آسان‌تر کردن مسیر بهره‌گیری از زندگی جمعی، دائم در حال ترمیم اشکال ساختار اجتماعی است. یک روز با شیوه‌ی سلطنت و یک روز با شکل جمهوریت و دیگر روز به‌گونه‌ای متفاوت در حال تغییر دادن شیوه‌ی حاکمیت است. طبیعی است هر کدام از این روش‌ها به همراه خود تغییراتی را در جامعه ایجاد کنند و به تعبیر دیگر، تغییرات را اجتناب‌ناپذیر نمایند.

۲. تفاوت تغییر اجتماعی با تحول اجتماعی

تغییر اجتماعی، عبارت است از پدیده‌های قابل رویت و بررسی در مدّت زمانی کوتاه، به‌صورتی که هریک از اشخاص جامعه نیز در طول زندگی خود، یا در دوره‌ی کوتاهی می‌تواند یک تغییر را احساس نموده و نتیجه‌ی قطعی یا موقّتی آن را دریابد. به عبارت دیگر، تغییر اجتماعی در محدوده‌ی یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معینی صورت می‌گیرد، به‌نحوی که می‌توان آن را در یک چهارچوب محدود جغرافیایی و یا کادر اجتماعی - فرهنگی محدودتری مطالعه کرد. اما تحوّل اجتماعی، مجموعه‌ای از تغییرات است که در یک دوره‌ی طولانی، طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد و در حقیقت مجموعه‌ی فرایندهایی است که در مدّت زمان کوتاه نمی‌توان آن را ملاحظه نمود؛ بلکه به‌مثابه منظره‌ی واحدی متشکّل از توده‌ای از جزئیات است که جز از ارتفاع زیاد قابل رویت نیست. به این ترتیب می‌توان گفت که نسبت و رابطه‌ی تغییر اجتماعی و تحوّل اجتماعی، خاص و عام است؛ به این معنا که هر تحوّل، تغییر است، اما هر تغییری نمی‌تواند تحوّل باشد (ویگو، بی‌تا، ص. ۲۷).

۲.۱. ویژگی‌های تغییر اجتماعی

تغییر اجتماعی لزوماً یک پدیده‌ی جمعی است؛ به بیان دیگر، تغییر اجتماعی باید یک جامعه یا بخش مهمی از یک جامعه را دربر گیرد و شرایط، شکل زندگی و زمینه‌ی فکری سطح وسیعی از یک جامعه (بیش از چند نفر) را دگرگون نماید.

تغییر اجتماعی باید یک تغییر ساختی باشد؛ یعنی تغییری که در کل سازمان اجتماعی یا در بعضی از قسمت‌های تشکیل‌دهنده‌ی سازمان اجتماعی حادث شود. برای مثال، اعتصاب کارگران در یک کارخانه اگر به بهبود وضع حقوق کارگران و افزایش سطح زندگی آنان منجر گردد، این تغییر، تغییر اجتماعی نیست؛ بلکه یک تغییر تعادل است. زیرا به صورت عادی و دائمی در حیات سیستم اجتماعی انجام می‌شود. اگر این اعتصاب موجب تغییر در کل یا بعضی از قسمت‌های سازمان اجتماعی شود، مثلاً شبکه‌های ارتباطی، توزیع قدرت و... را تغییر دهد، این تغییر، تغییر اجتماعی خواهد بود. تغییر ساختی در طول زمان شناخته می‌شود؛ به عبارت روشن‌تر باید بتوان بین دو نقطه یا چند مقطع زمانی، مجموعه‌ی تغییرات یا نتایج تغییرات را مشخص کرد. تغییر اجتماعی برای آن که بتواند یک تغییر ساختی باشد، باید مداوم و استوار باشد، نه سطحی و زودگذر (روشه، ۱۳۶۷، ص. ۹-۱۲).

۲.۲. عوامل تغییر اجتماعی

عوامل تغییر اجتماعی عناصری از یک وضعیت معین هستند که به علت موجودیت‌شان یا به وسیله‌ی عملی که انجام می‌دهند، تغییری را موجب می‌شوند یا تغییری را ایجاد می‌کنند. برای مثال، ورود فناوری‌های جدید در یک کارخانه که می‌تواند در شیوه‌ی کار، سطح مدیریت و... تغییرات ایجاد نماید، یک عامل تاثیرگذار در تغییر است؛ درست همان‌گونه که تاسیس یک کارخانه در یک روستا می‌تواند تغییراتی را در بازار کار و تحرک اجتماعی جمعیت آن روستا پدید آورد و در فرهنگ و سازمان اجتماعی روستا تاثیر بگذارد (لاور، ۱۳۷۳، ص. ۲۱۳-۲۱۵). برخی از عوامل مؤثر بر تغییر اجتماعی عبارتند از:

نخبگان اجتماعی

نخبگان اجتماعی بر اساس نقش و جایگاه خود، هم‌چنین به سبب توان ویژه و برجسته‌ای که در حفظ یا براندازی نظم موجود و یا برپایی طرح و سازمانی نو در جامعه دارند، از طریق کنش تاریخی، تاریخ‌سازی می‌کنند. این توانایی نخبگان ناشی از استعداد، درک و قدرت ویژه و خارق‌العاده‌ی آنان است. به همین دلیل انقلاب‌هایی که تغییر عمیق



اجتماعی را رقم می‌زنند، به رهبری نخبگان تحقق می‌یابند.

عامل جمعیتی

بی‌تردید در میان عوامل اجتناب‌ناپذیری تغییر، عامل جمعیتی مؤثرترین عامل بر تغییر اجتماعی است؛ زیرا افزایش یا کاهش سریع کمی جمعیت یک جامعه، در اثر حوادثی هم‌چون طوفان، زلزله، سیل، جنگ و ... موجب تغییر اجتماعی و فرهنگ در جامعه می‌شود. همان‌گونه که به‌سادگی قابل مشاهده است، هرگونه تغییر در توزیع و ترکیب جمعیت به نوبه‌ی خود، تغییرات فرهنگی و اجتماعی چشم‌گیری را در جامعه ایجاد می‌کند.

عامل سیاسی و تغییر رژیم‌ها

روند تغییر در نهاد سیاست و تغییر رژیم‌های سیاسی می‌تواند بر سیر تغییر اجتماعی تاثیرگذار باشد. بنابراین با از بین رفتن یک رژیم و سرکارآمدن رژیم دیگر، تغییرهای اجتماعی در نهادهای گوناگون جامعه تحقق می‌پذیرند؛ زیرا رهبران سیاسی به‌طور معمول ایدئولوژی‌های خاصی دارند که می‌خواهند آن را در جامعه نهادینه کنند تا از این طریق بتوانند به اهداف خود نائل آیند.

عوامل تکنولوژی و نوآوری

تکنولوژی و نوآوری در تغییر اجتماعی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا با ظهور پدیده‌های جدید در عرصه‌ی زندگی اجتماعی افراد جامعه، یک نوع جای‌گزینی برای وسایلی که تاکنون استفاده می‌شده است، صورت می‌گیرد که با خود، تغییرهایی را در جامعه به ارمغان می‌آورد. عوامل تکنولوژی و نوآوری، زمانی می‌توانند در تغییر اجتماعی مؤثر باشند که بیش‌تر افراد یک جامعه در خلق تکنولوژی و نوآوری و پدیده‌های نوظهور، نقش داشته باشند و آن را بپذیرند. البته این انگیزه، بیش‌تر جنبه‌ی روانی دارد؛ زیرا افراد، معمولاً تنوع‌طلب، ابداع‌گر و کنجکاو هستند.

عوامل جغرافیایی و محیطی

محیط جغرافیایی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تغییرهای اجتماعی است. شرایط محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، بر چگونگی تجهیز وسایل و رشد صنایع مورد نیاز در آن محیط طبیعی و جغرافیایی مؤثر واقع می‌شود. بنابراین در محیط نامساعد آب و هوایی، مانند مناطق قطبی، زندگی افراد بسیار متغیر از مناطق استوایی یا دلتایی است. به‌همین دلیل، ما بیش‌تر در مناطق دلتایی، که زمین‌های حاصل‌خیز دارند، شاهد رشد تمدن‌ها هستیم. هم‌چنین محیط‌هایی که به‌سادگی به وسایل ارتباطی و مراکز عمده‌ی



تجاری و صنعتی دسترسی دارند، بیش‌تر از مکان‌هایی که از این امتیاز محروم‌اند، دست‌خوش تغییر قرار می‌گیرند.

عامل فرهنگی

پژوهش‌ها نشان می‌دهند در تمام ادوار زندگی اجتماعی بشر، هیچ قوم و ملتی یافت نشده است که فرهنگ آن‌ها ثابت و استوار مانده باشد. هرچند روند تغییر، در میان اقوام و گروه‌ها مساوی نبوده و شدت و ضعف‌هایی داشته است که عوامل متعددی در این روند مؤثر بوده‌اند. در گذشته، بیش‌ترین عاملی که در تغییر فرهنگی و اجتماعی نقش داشت، معمولاً وقوع جنگ میان اقوام بود. بنابراین اصل تغییر فرهنگ، روند طبیعی و فرایندی خود را می‌پیماید و چیزی به‌نام ثبوت در ذات فرهنگ وجود ندارد. اگر فرهنگی دگرگون نشود، از رشد و بالندگی بازمی‌ماند و در نتیجه در مقابل فرهنگ‌های دیگر، از توان ایستایی مناسب برخوردار نخواهد بود. پس تغییر، یک پدیده‌ی قطعی است؛ هرچند در بعضی از حوزه‌های فرهنگ، بسیار آرام صورت می‌گیرد و ملموس و قابل مشاهده نیست. زیرا بعضی از حوزه‌های فرهنگی، قابلیت تغییر سریع را ندارند؛ این امر باعث ازهم‌پاشیدن آن فرهنگ می‌شود (بروس، ۱۳۹۷، ص. ۴۲۴).

۳. ضرورت تغییر در بیانیه‌ی گام دوم

همان‌طور که گفته شد، تغییر، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه ثبات در بسیاری از امور موجب اضمحلال و ازهم‌گسیختگی می‌شود. با توجه به این حقیقت، مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، معتقدند که نباید انقلاب را در همه‌ی ابعاد، غیرمفعل دانست و از تغییر در آن نگران بود؛ چون انقلاب یک موجود زنده است:

انقلاب اسلامی هم‌چون پدیده‌ی زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. (بیانیه‌ی گام دوم)





۳،۱. مبانی تغییرات در بیانیه‌ی گام دوم

یکی از مباحث مهم در عرصه‌ی تغییرات، اندازه و حدود تغییر است. دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شده‌اند: برخی، دستار تغییر را به جامعه و عوامل آن سپرده و حد و حدودی برایش قائل نیستند؛ اما رهبر معظم انقلاب در عین باور به اجتناب‌ناپذیری اصل تغییر، بر این حقیقت نیز تاکید دارند که در فرایند تغییرات اجتماعی نباید از پایبندی به مبانی و اصول ارزشی خود غافل شد. جمهوری اسلامی به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، اگرچه باب تغییرات را بر خود نبسته است، در عین حال به اصول خود نیز پایبند است. ایشان در بخشی از بیانیه می‌فرماید:

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان باید‌ها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مومن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیش‌تر طی خواهد شد. (همان)

حال که معلوم شد دیدگاه رهبر انقلاب در تغییرات، پایبندی به اصول و مبانی خاصی است، در ادامه، مبانی مورد نظر ایشان را در بیانیه‌ی گام دوم مرور می‌کنیم.

الف) عدالت و مبارزه با فساد

به‌اعتقاد رهبر انقلاب، "عدالت" یکی از مبانی مهمی است که در عرصه‌ی تغییرات اجتماعی باید مطمح نظر باشد. وقوع انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی در سال ۵۷، به‌نوبه‌ی خود یکی از مصادیق تغییرات در عرصه‌ی اجتماع بود که بر مبنای تحقق عدالت در ایران اتفاق افتاد. اما این هدف اگرچه در گام اول انقلاب تا حدودی در برخی از عرصه‌ها آشکار گردید، به‌اعتقاد رهبر معظم انقلاب باید در گام دوم، مبنای تغییرات بیش‌تری قرار گیرد تا به انقلاب اسلامی در تحقق کامل هدفش کمک کند.

ایشان معتقدند انقلاب اسلامی تا حدودی توانسته است کفّهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کند، اما این مقدار هنوز نتوانسته انتظارات را برآورده سازد؛ به‌همین سبب از آن ابراز نارضایتی کرده و در گام دوم انتظار دارند این تغییر هم‌چنان بر مبنای عدالت ادامه داشته باشد تا به هدف نهایی نزدیک شود. ایشان در بخش دیگری

از بیانیه می‌فرمایند:

نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آن که این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنا گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیش‌ترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیش‌تر شهرها، به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها، در آخر فهرست و اغلب محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است. بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌هاست و چشم امید برای اجرای آن، به شما جوان‌هاست. (همان)

ب) معنویت و اخلاق

"معنویت و اخلاق" مبنای دیگری است که از نظرگاه رهبر انقلاب باید مبنای تغییر در گام دوم انقلاب قرار بگیرد. همان‌طور که در اصل شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیز به‌عنوان موتور محرکه‌ی حرکت عظیم مردمی به رهبری امام خمینی بود، این حرکت عظیم در تداوم خود به این اصل مهم نیاز دارد. معنویت از نظر رهبر فرزانه به‌معنای برجسته‌کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است؛ اخلاق نیز به‌معنای رعایت فضیلت‌هایی هم‌چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌کند و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.





تحقق گام دوم از نظر ناخدای انقلاب در گرو وجود این اصل است. ایشان می‌فرمایند: عیار معنویت و اخلاق را باید در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند، دل‌کنند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیش‌تر و باکیفیت‌تر شده است و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است. (همان)

ج) استقلال و آزادی

انقلاب اسلامی ایران که خود یکی از مصادیق بارز تغییرات اجتماعی است، با اصل اصیلی به‌نام استقلال و عدم تکیه به عوامل مادی و حمایت قدرت‌های سیاسی بزرگ دنیا حرکت خود را آغاز کرده و به برکت اعتماد و اعتقاد به استقلال و پایداری، و صد البته توکل به قدرت لایزال الهی و آموزه‌های نبوی و فرهنگ علوی به‌نتیجه رسیده است. از نظر رهبر معظم انقلاب، "استقلال ملی" به‌معنای آزادی ملت و حکومت از تحمیل و



زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی است که عطیّه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دو هستند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیش‌تر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آن‌هاست. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمره‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تاویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه نمی‌توان در خطر قرار داد. همه، مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی، موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است "استقلال" نباید به معنای زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و "آزادی" نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود. رهبر معظم انقلاب، تحقق گام دوم را نیز در گرو تکیه بر این اصل اصیل ممکن دانسته و می‌فرمایند:

نماد پُرابّهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن‌برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبّر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده‌ی ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست، دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. جوانان عزیز! این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل ساله اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت

های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا، در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیش‌تر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. (همان)

۳،۲. عوامل تحقق تغییر در بیانیه‌ی گام دوم

یکی از متغیرهایی که پژوهش‌گران اجتماعی در مطالعات اجتماعی تغییرات، در کانون توجه قرار می‌دهند، عوامل تغییر است. آن‌ها در این میان بر وجود و نقش نیروی انسانی نخبه تأکید کرده و معتقدند نخبگان بر اساس نقش و جایگاه‌شان و همچنین به سبب توان ویژه و برجسته‌ای که در حفظ یا براندازی نظم موجود و یا برپایی طرح و سازمانی نو در جامعه دارند، از طریق کنش تاریخی، تاریخ‌سازی می‌کنند. این توانایی نخبگان ناشی از استعداد، درک و قدرت ویژه و خارق‌العاده‌ی آنان است؛ به‌همین دلیل، انقلاب‌هایی که تغییر عمیق اجتماعی را رقم می‌زنند، به رهبری نخبگان تحقق می‌یابند.

الف) نیروی انسانی

از نظر رهبر معظم انقلاب، نیروی انسانی، عامل مهم و قابل‌اتکایی است که می‌تواند منشأ تغییر و تحولات عظیم در عرصه‌های متعدد باشد. بنابراین، تحقق گام انقلاب همانند گام اول، مبتنی بر تکیه به این ظرفیت‌های ارزنده و امیدبخش است. ایشان می‌فرمایند:

اما راه طی شده، فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به‌گمان زیاد به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند؛ از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند؛ نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل‌جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.





نکته‌ی مهمی که باید آینده سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آن‌ها را فعال، و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به‌معنای واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند، این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد. (همان)

ب) علم و پژوهش

بی‌تریدی برنامه‌ریزی و داشتن یک استراتژی قوی و کارآمد در هدفمندی تغییرات، نقشی اساسی دارد. داشتن استراتژی قوی نیز خود نیازمند دانش و پژوهش مستمر است. رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۶/۰۷/۲۶) درباره‌ی معنای "العلم سلطان" فرموده‌اند:

پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌کند. العلم سلطان یعنی اقتدار؛ علم اقتدار است؛ هرکسی که آن را داشته باشد "صال"، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت. هرکس که آن را نداشته باشد، "صیل علیه"، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد؛ یعنی زیردست خواهد شد. امروز شما مشاهده می‌کنید آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به‌خاطر علمی که تحصیل کرده‌اند، توانسته‌اند همه‌ی دنیا را تصرف کنند. شما می‌دانید آمریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی - حتی کشورهای کوچک - سال‌های متمادی، بعضی‌شان قرن‌ها، توانستند کشورهای را تصرف کنند؛ هستی‌های آن‌ها را به‌باد بدهند و نابودشان کنند؛ بر ملت‌ها اقتدار پیدا کردند و مسلط شدند؛ به‌خاطر علم. دنبال علم بودند؛ ما غفلت کردیم؛ از قافله‌ی علم عقب ماندیم. با سابقه‌ی تاریخی، با این استعداد درخشان، اما دیگران جلو افتادند؛ ما باید جبران کنیم.

۹۱ سکان‌دار بصیر انقلاب، رابطه‌ی علم و پژوهش را با تحقق گام دوم وثیق دانسته و بر



اهمیت آن تاکید کرده و به جوانان و دل‌سوزان کشور فرموده است:

علم و پژوهش و دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به‌دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آن‌چه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم؛ اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافل‌گیرکننده بود (یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان) به‌پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقا داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آن‌چه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیش‌تر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. این‌جانب، همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این‌باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیش‌تر و هم‌چون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پا خیزید و دشمن بدخواه و

کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید. (همان)

ج) بهره‌مندی از منابع طبیعی

یکی از عواملی که می‌تواند راه تغییرات در عرصه‌های متخلف را هموار نماید، بهره‌گیری از مواهب طبیعی و منابع مادی موجود در جامعه است. به اعتقاد اندیشمندان حوزه‌ی تغییرات، شرایط محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، بر چگونگی تجهیز وسایل و رشد صنایع مورد نیاز در آن محیط طبیعی و جغرافیایی تاثیر می‌گذارد. بنابراین در محیط نامساعد آب و هوایی، مانند مناطق قطبی، زندگی افراد، بسیار متغیر از مناطق استوایی یا دلتایی است؛ به همین دلیل، ما بیش‌تر در مناطق دلتایی که زمین‌های حاصل خیز دارند، شاهد رشد تمدن‌ها بوده‌ایم. رهبر انقلاب نیز با اشراف بر این حقیقت، یکی از عوامل تحقق گام دوم را بهره‌گیری از منابع طبیعی دانسته و می‌فرماید:

فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنای واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای هفت درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصل‌خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مومن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقا یابد. (همان)

د) اقتصاد مقاومتی

شاید در نگاه ابتدایی، استقلال اقتصادی از مبانی تغییرات در جامعه باشد، اما در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. ایشان می‌فرمایند:

اقتصاد، یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم





سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تاکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تاکید شده، به‌خاطر همین تاثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی، تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی، عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی‌بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی این‌ها، مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. (همان)

آن‌چه نگاه رهبر انقلاب را از دیدگاه اقتصادی دیگران متمایز می‌کند، تاکید ایشان بر اقتصاد مقاومتی است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پی‌گیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولدشدن و دانش‌بنیان‌شدن آن، مردمی‌کردن اقتصاد و تصدی‌گری‌نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌هاست. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. این‌که کسی گمان کند مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضدّ

استکباری و تسلیم‌نشدن در برابر دشمن است، پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هر چند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، منشأس کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود. (همان)

نتیجه

عزت و سربلندی به دست آمده در گام اول انقلاب اسلامی، برای تدوام خود نیازمند برداشته شدن گام‌های استوار دیگری است که ناخدای روشن ضمیر و تیزبین انقلاب، با نگارش بیانیه‌ی گام دوم، با تکیه بر اندوخته‌ی چهل ساله و تجربه‌ی شصت ساله خود، چراغ راهی را برافروخته‌اند تا در پرتو آن، مسیر حرکت ایرانیان به ویژه جوانان این مرز پرگهر، روشن شود. این نوشتار با رویکردی جامعه‌شناختی، بیانیه‌ی گام دوم را به منظور کاوش در شناسایی مواضع رهبر معظم انقلاب درباره‌ی تغییرات اجتماعی مورد توجه قرار داد و تلاش کرد به فهم درستی از مبانی و عوامل مدبتر ایشان در تحقق گام دوم انقلاب دست پیدا کند.

ایشان انقلاب اسلامی را هم‌چون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش می‌دانند؛ دلیل این عدم نگرانی، برخورداری انقلاب از اصل و مبنایی است که این تغییرات با اتکای به آن‌ها طی خواهد شد. اصولی هم‌چون عدالت، معنویت و استقلال که می‌تواند در عین پذیرش تغییرات، از انفعال و خودبستگی مصون بماند. این اصول در حقیقت چراغ راهی مطمئن برای بهره‌گیری از عواملی مثل نیروی انسانی متعهد، علم و دانش، تجربیات پژوهشی و منابع ارزشمند طبیعی است تا راه تغییرات مفید برای تحقق گام دوم انقلاب را هموار نماید.

آن‌چه در اثنای این بازخوانی روشن گردید، تفاوت بنیادی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره‌ی حوزه‌ی تغییرات با برخی از اندیشمندان اجتماعی این حوزه بود. اصول اصیل عدالت، معنویت و اخلاق و استقلال ملی به‌عنوان مبنای تغییرات در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب وجود دارد که در اندیشه‌ی بسیاری از جامعه‌شناسان حوزه‌ی تغییرات، یا جایگاه چندانی ندارند یا به‌صورت کم‌رنگ از کنار آن می‌گذرند. نکته‌ی قابل توجه دیگر، نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ی جوانان در تحقق گام دوم است که یکی از ویژگی‌های دیدگاه رهبر معظم انقلاب در تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود.



منابع

- بروس، ک. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات توتیا.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۹). درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی. (ب. پرهام، مترجم). [بی‌جا]: کتابسرای بابل.
- روشه، گ. (۱۳۶۷). تغییرات اجتماعی. (م. وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۴). نرم‌افزار حدیث ولایت. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، ع. (۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه‌ی گام دوم. قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- لاور، ر.ا. (۱۳۷۳). دیدگاه‌هایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی. (ک. سیدامامی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مریچی، ش.ا. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی. قم: نشر معارف.
- ویگو، ا. (بی‌تا). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی. (غروی‌زاد، مترجم). بی‌جا: بی‌نا.



References

- Bruce, K. (1397). An Introduction to Sociology. (M. Tracy, Trans.). Tehran: Totia Publications.
- Durkheim, A. (1369 SH). On the division of social work. (B. Parham, Trans.). [Beja]: Babylon Library.
- Roche, G. (1367 SH). Social change. (M. Vosoughi, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Khamenei, A. (1394 SH). Provincial Hadith Software. Tehran: Cultural Revolution Institute of Islamic Revolution.
- Khamenei, A. (22/11/97). The second step statement. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Lower, R.A. (1373 SH). Views on Social Change. (K. Sidamami, Trans.). Tehran: University Publishing Center.
- Mariji, Sh.A. (1397 SH). Sociology of Science and Technology. Qom: Education publication.
- Viggo, A. (n.d.). An Introduction to Theories and Models of Social Change. (Gharadzad, Trans.). Beja: Bena.

